

## عسجدی مروزی

ابونظر عبدالعزیز فرزند منصور عسجدی مروزی تاجیک تبار و شاعر نامدار خراسان بزرگ - نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم ه.ق. بوده (1) و فوت او پس از سال 432 ه.ق. اتفاق افتاده است . وی از معاصران محمود غزنوی و مداح او بود. و قصیده بی معروف وی در فتح سومنات ، که بسال 416 ه.ق. صورت گرفته بود ، ساخته بوده است بدین مطلع :

تاشاه خسروان سفر سومنات کرد

کردار خویش را علم معجزات کرد (2)

\*\*\*\*

بعضی ابیات او در کتب لغت و ادب پراکنده است. و از آنها کمال قدرت وی در سخن پردازی و صنایع شعری آشکار است . اینک بنقل برخی از آ اشعار او در اینجا مبادرت میشود :

باران قطره قطره همی بارم ابر وار

هرروز خیره خیره ازین چشم سیل بار

زان قطره قطره قطره باران شده خجل

زان خیره خیره خیره دل من ز هجر یار

یاری که ذره ذره نماید مرا نظر

هجراش باره باره بمن بر نهاد بار

زان ذره ذره ذره چو کوه آیدم بدل

زان باره باره باره بچشم آیدم بخار

دل گشته رخنه رخنه بزاری بتیغ هجر

زان مشک توده توده بر آن گرد لاله زار

زان رخنه رخنه شده عقل ودین مرا

زان توده توده توده بدل بر غم نگار

دندانش دانه دانه درست جانفزای

لبه اش پاره پاره عقیقت آبدار

زان دانه دانه دانه در یتیم زرد

زان پاره پاره پاره یاقوت سرخ خوار...

\*\*\*\*

صُبْحست و صبا مشک فشان می گذرد

دریاب که از کوی فلان می گذرد

برخیز چه خُسبی که جهان می گذرد

بویی بستانان که کاروان می گذرد

\*\*\*\*

دل دوش هزار چاره سازی می کرد

با وعده دوست عشق بازی کرد

تا بر کف پای تو تواند مالید

دل را همه شب دیده نمازی می کرد

\*\*\*\*

- 1- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، ج 5 ، ص 1175 .
- 2 - حدائق السحر ، ص 148 - 150 .
- تاریخ ادبیات در ایران ، ذبیح الله صفا ، ج 1 ، ص 577 - 580 .